

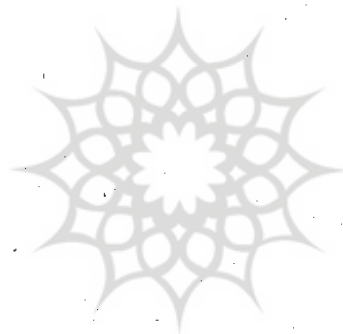
ترجمه و تلخیص
دکتر رضا فیوضی



نکاتی از
آئین دادرسی بین‌المللی



۱. این مقاله اقتباس از یکی از نظریه‌های حقوقی مفصل «حامد پروفیسور اشتزن» استاد حقوق دانشگاه پاریس، می‌باشد که سعی شده است با ملحوظ داشتن مطالعات و تحقیقات دیگری، به صورت کنونی تلخیص شود.



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

اگر عناصر صوری و موضوعی متشکله یک دعوی حقوقی بین‌المللی در داوری بین دولتها را تجزیه کنیم، این عناصر عبارت خواهند بود از:

۱. داور اختلاف.
 ۲. دولتهای طرف اختلاف.
 ۳. خواسته مورد اختلاف.
 ۴. مبانی حقوقی مورد استناد خواهان و خوانده.
- موضوع مورد بحث این مقاله که یکی از مباحث حساس در دعاوی بین‌المللی می‌باشد این است که تحقیق شود در یک دعوی بین‌المللی، حدود اختیار داور و طرفین اختلاف در چه کادر و محدوده‌ای قرار دارد؟ به عبارت دیگر، اولاً در آنچه مربوط به داور بین‌المللی است باید بررسی شود که آیا داور حق دارد به بیش از خواسته رأی دهد، یا در موردی غیر از خواسته اظهار نظر کند، یا احتمالاً از دادن رأی استنکاف ورزد و یا مبانی حقوقی جدیدی را رأساً برای موضوع اختلاف تعیین کند؟ و

ثانیاً در آنچه مربوط به دولتهای طرف اختلاف می باشد باید تحقیق گردد که آیا طرفین یک اختلاف بین المللی حق دارند در خواسته و نحوه عنوان و یا مبانی حقوقی که ادعا بر آنها استوار است، در هر زمان و به میل خود در طول دادرسی تغییراتی دهند و در صورتیکه این حق برای آنها وجود داشته باشد، حدود آن چیست؟ و آیا داور بین المللی موظف به قبول این تغییر و تبدیلات در خواسته و مبانی حقوقی آن هست یا خیر؟

گرچه این موضوع، بسیار پیچیده و در خور مطالعه ای طولانی است، معذک سعی شده در این مقاله پاسخهای مقتضی به سوالات مطرحه داده شود.

قسمت اول این مقاله اختصاص به حدود اختیارات داور دارد و در قسمت دوم، حقوق و تکالیف طرفین اختلاف از حیث تغییر خواسته مورد اختلاف را مطالعه می کنیم.



اختیارات داور و قاضی بین المللی^۲

در مورد حدود اختیارات داور یا قاضی بین المللی گفتگوهای زیادی شده و حقوق بین الملل در این خصوص دارای قواعدی است. این قواعد را که محصول دکترین و رویه قضائی می باشد، می توان در دو اصل خلاصه کرد:

۱. داور بین المللی حق ندارد بیش از خواسته طرفین رأی دهد.
۲. داور بین المللی در انتخاب قواعد حقوقی که رأی خود را بر آنها استوار می کند، آزاد است.

۲. منظور از قاضی بین المللی در این مقاله، قضات دیوان بین المللی دادگستری می باشد.

داورین المللی نمی تواند بیش از خواسته طرفین رأی دهد

الف. اصل محدود بودن اختیارات داورین المللی

این اصل که داورین المللی حق ندارد به بیش از خواسته طرفین حکم کند، ناشی از ماهیت دادرسی قضائی بین المللی از جمله داوری بین المللی می باشد؛ زیرا بطور کلی هیچ اختلاف حقوقی به قضاوت یک مرجع قضائی بین المللی واگذار نمی گردد، مگر آنکه دولتهای طرف اختلاف، صراحتاً رضایت خود را با این امر اعلام کرده باشند. البته مواردی که طی یک قرارداد قبلی مرجع رسیدگی به اختلافات احتمالی مشخص شده و یا دولتی بموجب ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری، صلاحیت اجباری دیوان را در اختلافات حقوقی با دولتهای دیگر پذیرفته باشد، از این اصل کلی مستثنی است.

در اینجا مطالعه کوتاهی درباره دکتین و رویه قضائی بین المللی در مورد حدود اختیارات داور ضروری است.

• دکتین:

پروفسور «م. عمر اصلاوی» در کتاب خود تحت عنوان لوائح و تغییرات آن در دادرسی بین المللی بحث از اصل مهمی می کند که بموجب آن قاضی حق ندارد در مورد مسائلی که در عداد خواسته های طرفین نیست اظهار نظر کند و در این مورد می گوید: یکی از اصولی که مورد تأیید رویه قضائی می باشد این است که قاضی مقید به خواسته های طرفین دعوی است و حق ندارد خارج از موارد مشخصی که درباره آنها رأی او خواسته شده است، اتخاذ تصمیم نماید؛ و الا نظر او باطل خواهد بود. وظیفه انحصاری یک مرجع قضائی، اتخاذ نظر و اعمال حق در مورد یک وضع معین و در چهارچوب مشخصی می باشد. حتی اگر داور بموجب قرارداد خاص دارای اختیارات قضائی کلی باشد، معذک نه حق دارد رأساً به اختلافی

رسیدگی کند که حل آن به او ارجاع نشده و نه حق دارد کلیه جنبه های یک اختلاف را پیش از آنچه که به او ارجاع گردیده است، بررسی کند. بطور کلی دادگاه بین المللی حق ندارد در امری اظهار نظر کند که از آن خواسته نشده است و یا به بیش از آنچه که از آن خواسته شده رأی دهد.

نویسنده اضافه می کند: «ضمناً دادگاه حق ندارد در قضاوت نسبت به موضوعی که به آن ارجاع شده است، از دادن رأی استنکاف ورزد یا اینکه خواسته ای را جانشین خواسته دیگر کرده و یا با چیزی بیش از آنچه که تقاضا شده است، موافقت نماید. بنابراین، ضرورت دارد که طرفین اختلاف، نکاتی را که باید درباره آنها اعلام رأی شود، صراحتاً مشخص کنند.»^۳

پروفسور «وایتنبرگ» نیز یادآوری می کند: «از جمله شرایط یک دادخواست این است که خواسته یک دولت و یا شخص حقوقی را دقیقاً مشخص و معین کند. به این ترتیب، قاضی حق ندارد با پرداخت وجهی بیش از میزان خواسته، موافقت نماید.»^۴

خانم پروفسور «باستید» نیز بر این نظر است که: «تجاوز از اختیارات در آنچه مربوط به موضوع اختلاف است... وقتی محقق می شود که داور به جای مسئله ای که اظهار نظر در آن به او محول شده است، در مورد موضوعی رأی دهد که از او خواسته نشده و یا نسبت به بیش از آنچه که در قرارداد داوری معین شده است، اتخاذ نظر کند. همچنین در مواردی که داور فقط وظیفه تعیین غرامت را دارد ولی به مسئله مسئولیت رسیدگی کند، یا برعکس، اختیار او تعیین و تشخیص مسئولیت باشد ولی به جای آن مبادرت به صدور رأی درباره غرامت نماید و یا اینکه در موردی که باید در مورد اختلاف ارضی تصمیم بگیرد، بطور دقیق به وظیفه خود عمل نکنند نیز این امر صادق است.»^۵

3. M. Omar Aslaoui-Les conclusions et leurs modifications en procédure judiciaire internationale, Genève. Librairie Droz. 1963. p.32.
4. J.C. Witenberg-L'organisation judiciaire, la procédure et la sentence internationale. Traité pratique, Paris. pèdone, 1937. p.188.
5. le Jurisclasseur de droit international à la rubrique d'arbitrage international. (FASC. 249, 38. p. 12).

• رویتة قضائی:

دیوان بین المللی دادگستری بارها این اصل را یادآوری کرده که اختیارات قاضی محدود به مواردی است که طرفین صراحتاً از او خواسته اند درباره آنها اتخاذ نظر کند. در رأی تفسیری ۲۷ نوامبر ۱۹۵۰ در دعوی «حق پناهندگی»، دیوان می گوید: «لازم است این اصل یادآوری شود که دیوان وظیفه دارد در مورد خواسته های طرفین اختلاف، وفق آنچه که در آخرین لایحه دفاعیشان به آن اشاره شده است، نظر دهد و از اخذ تصمیم در مواردی که دادخواست نسبت به آنها ساکت می باشد، خودداری کند.»^۶ در همین قضیه و در محل دیگری دیوان می گوید: «گرچه دیوان حق تفسیر لوایح طرفین را دارا است، ولی نمی تواند خود را جانشین طرفین کرده و دفاع و خواسته جدیدی را عنوان نماید.»^۷ دیوان دائمی دادگستری نیز همین نظر را در قضیه «منافع آلمانیهای ساکن سیلزی علیا» به این شرح بیان می کند: «دیوان حق تفسیر لوایح طرفین را دارد، ولی نمی تواند بر اساس نظرات عنوان شده و یا وقایع مورد استناد، خود را جانشین طرفین کرده و ادعاهای جدیدی را طرح کند.»^۸

ب. اتخاذ نظر نسبت به خواسته

با توجه به اینکه حدود اختیارات داور بستگی به مشخص بودن خواسته های طرفین دارد، می توان به اهمیت دقیق و روشن بودن خواسته پی برد؛ ولی سؤالی که امکان دارد مطرح شود این است که چگونه می توان ادعاهای طرفین اختلاف را بدقت مشخص کرد؟ بطور کلی نظر بر این است که لوایح طرفین و بخصوص

6. Rec. 1950, p. 402.

7. Rec. 1950, p. 202.

8. C.P.J.I. Série A, n° 7, p. 35.

«نتیجه گیری نهائی»^۹ آنها بهترین راهنما برای تشخیص خواسته می باشد مشروط بر اینکه این نتیجه گیریها از چهار چوب معین شده در دادخواست تجاوز نکند.

داور بین المللی در انتخاب قواعد حقوقی و ادله خود در چهار چوب دستورالعمل پیش بینی شده، آزاد است

الف. رعایت چهار چوب دستورالعمل پیش بینی شده

اگر مأموریت داور در چهار چوب دادخواست باشد، او موظف به رعایت کلیه قواعد پیش بینی شده در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری است؛ ولی اگر وظیفه او با توجه به قرارداد داور مشخص شده باشد، این قرارداد، قواعدی را که داور باید اعمال کند تعیین می نماید، مانند قرارداد داور که طی آن حق اعمال قاعده «قضاوت وفق انصاف»^{۱۰} برای داور شناخته شده باشد. در هر صورت، در داوریهای بین المللی، معمولاً قرارداد ارجاع به داور است که قواعد قابل اعمال و احتمالاً نحوه قضاوت را مشخص می کند.

بدیهی است اگر داور از چهار چوب مشخص شده خارج شود، رأی او ممکن است باطل اعلام گردد؛ مثلاً در دعوی «شرکت کشتی بخاری ارینوکو» رأی صادره از طرف قاضی «بارج»، توسط دیوان دائمی بین المللی دادگستری در اکتبر ۱۹۲۵ به این دلیل که داور از حدود اختیارات تجاوز کرده است، باطل اعلام شد.

دیوان در این زمینه می گوید: «تجاوز از اختیارات ممکن است به

۹. منظور از نتیجه گیری نهائی (Final Conclusion)، عبارت است از اعلام دقیق آنچه که طرف یک اختلاف در مقابل دادگاه بین المللی، مطالبه و تقاضای قضاوت در مورد آن را می کند (فرهنگ اصطلاحات حقوقی، پاریس ۱۹۶۰). در قسمت دوم مقاله به این مطلب اشاره بیشتری خواهیم کرد.

10. ex aequo et bono

این صورت باشد که داور در موضوعی که به داوری ارجاع نشده است، اتخاذ نظر کرده و یا اینکه قواعد قراردادی را که اساس و نحوه اتخاذ نظر داور را تعیین می کند، بخصوص از جهت رعایت قواعد و اصول حقوقی قابل اعمال، رعایت نکرده باشد».^{۱۱}

باید دید داور بین المللی در چهارچوب دستورالعمل ذکر شده چه تکلیفی دارد؟ آیا او فقط موظف به اعمال بعضی از قواعد می باشد، یا اینکه حق دارد رأساً هر نوع قاعده حقوقی دیگری را که مصلحت می داند، رعایت نماید؟ که پاسخ بنابر مورد، فرق می کند.

ب. آیا قاضی یا داور بین المللی می تواند رأساً بعضی از اصول حقوقی را عنوان نماید؟

برای قاضی بین المللی در مواردی که رسیدگی غیابی می کند، این اختیار وجود دارد که رأساً هر قاعده حقوقی را که مناسب می داند عنوان و اعمال نماید. ماده ۵۳ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری در این مورد از یکسوپیش بینی می کند که دیوان مکلف است کلیه قواعد حقوقی ناظر به صلاحیت خود را بررسی نماید و از سوی دیگر قبل از صدور حکم نسبت به خواسته، مطمئن گردد که مبانی عینی و حقوقی آن معتبر است. بعلاوه دیوان وظیفه دارد کلیه قواعد ناظر به صلاحیت را که طرفین به آنها توجه نداشته اند، مطمح نظر قرار دهد.

بطور کلی نظر بر این است که قاضی یا داور بین المللی صرفاً مقید به استدلالات طرفین نیست و حق دارد استدلالات حقوقی را که براساس آنها بتواند به تقاضاهای طرفین پاسخ دهد، رأساً انتخاب کند، مشروط بر اینکه از چهارچوب پیش بینی شده در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری و یا قرارداد داوری خارج نشود. بعلاوه قاضی یا داور بین المللی باید در انتخاب مبانی و دلایل حقوقی که اساس تصمیم او است، آزاد

۱۱. مراجعه شود به رأی ۲۵ اکتبر ۱۹۲۵ دیوان بین المللی دادگستری، صفحه ۲۲۶. Scott. و شماره ۲۹۲ Stuyt

باشد. دیوان این حق را در قضیه آزمایشهای اتمی فرانسه برای خود تأیید و تأکید کرده است. خانم «اشترن» در این زمینه می نویسد: «قبول این مطلب، کاملاً منطقی است که اگر دیوان اختیار داشته باشد نکته ای را در یک اختلاف مورد بررسی قرار دهد، طبعاً باید حق داشته باشد کلیه عوامل و عناصر مفیدی را که برای نتیجه گیری در مورد آن نکته ضروری می داند نیز مورد تحقیق قرار دهد؛ زیرا عقلانی نیست از یکسو برای دیوان اختیار وسیعی برای رسیدن به یک هدف قائل شد، ولی از سوی دیگر در چهارچوب این اختیار امکاناتی را که باید در دسترس آن باشد محدود نمود. به عبارت دیگر، دیوان باید قادر باشد هر نتیجه گیری را که مفید می داند، اتخاذ کند. بدیهی است چنین امری مستلزم این است که دیوان واجد اختیار برای تحقیق درباره کلیه عواملی که در بوجود آمدن اختلاف تأثیر داشته است، باشد و بتواند وقایع موضوعی را تشخیص دهد و به تحلیل حقوقی این وقایع مبادرت ورزد. همچنین دیوان باید اختیار داشته باشد در مورد بررسی هر قاعده و اصل حقوقی که در تشخیص واقعیت اختلاف مورد نیاز است، موضعگیری کند».^{۱۲}

انستیتوی حقوق بین الملل در سال ۱۸۷۵ در این زمینه قاعده ای را وضع کرد که در سال ۱۹۲۷ مورد تجدید نظر قرار گرفت و موضوع ماده ۲۲ طرح انستیتو گردید.^{۱۳} در این ماده گفته شده است: «در صورتیکه دادگاه ادعاهای هیچکدام از طرفین را معتبر ندانست، این موضوع را باید اعلام نماید و اگر قرارداد داوری، اختیارش را محدود نکرده باشد، باید حقوق واقعی ناظر به دو طرف اختلاف را تعیین کند».

یادداشت تنظیمی در این موضوع از طرف مخبرین کمیسیون تأیید می کند که دیوان دائمی بین المللی داد گستره هرگز تردیدی به خود راه نداده است که در توجیه آرای خود به قواعد حقوقی که اعتقادش را جلب

12. B. Bollecker-Stern, L'affaire des essais nucléaires français devant la cour internationale de justice. A.F.D.I. 1974, p. 316.

۱۳. مراجعه شود به کارهای مقدماتی اجلاس لوزان، چهاردهمین کمیسیون آیین داوری صفحه ۵۸۳ به بعد گزارش کمیسیون: MM. F.L. de la Barra et A. Mercier, Annuaire I.D.I., 1927.

کرده اند، استناد کند و تصمیمات خود را براساس آنها استوار نماید؛ اعم از اینکه این استدلالات در طول دادرسی ارائه شده یا نشده باشند.

نظر به اینکه صلاحیت داور یا قاضی بین المللی ناشی از قرارداد ارجاع به داوری است، بنابراین داور حق دارد در مواردی که نسبت به مدلول قرارداد تردید حاصل شود، مبادرت به تفسیر آن نماید و هیچ چیز نیز مانع آن نیست که در ضمن تفسیر و به این شرط که از حدود قواعد ناظر به تفسیرات حقوقی خارج نشود، رأساً به بعضی از قواعد حقوقی استناد کند. رأی معروف «آلباما» در اختلاف بین ایالات متحده و انگلیس در سال ۱۸۷۲، از آرای معروف در زمینه حدود اختیارات یک داور بین المللی است.^{۱۴}

دیوان بین المللی دادگستری لاهه نیز چندین بار فرصت یافته است که نسبت به این اصل مهم اظهار نظر قضائی کند. دیوان در رأی مورخ سؤم مارس ۱۹۲۸ در قضیه «صلاحیت دادگاههای دانتزیگ» اعلام می کند: «احراز صلاحیت مستلزم این اختیار است که داور بین المللی، حقوق و قواعد قابل اعمال در اختلاف مورد نظر را انتخاب کند.»^{۱۵}

چند ماه بعد در قضیه «مبادله اهالی ترک با یونانیها» در رأی ۲۸ اوت ۱۹۲۸ خود این نظر را تکرار کرده و می گوید: «بطور کلی هر مرجعی که واجد وصف قضا است، در درجه اول حق دارد نسبت به دامنه و حدود اختیارات خود اظهار نظر کند.»

در قضیه «کشتی لوتوس» (فرانسه - ترکیه) دیوان در رأی ۷ سپتامبر ۱۹۲۷ می گوید: «دیوان در انجام وظیفه اش که تشخیص حقوق بین الملل می باشد، تحقیق خود را محدود نکرده است؛ بلکه دامنه بررسی را به کلیه سوابق قضائی و دکترین و وقایعی که بررسی آنها وجود اصلی از اصول حقوق بین الملل را که در قرارداد داوری به آن اشاره شده اثبات می کرد، تعمیم داده است. مسئله کاملاً روشن است، به این معنا که دیوان برای

۱۴. مراجعه شود به صفحات ۹۱۰-۹۱۳، جلد دوم، R.A.I.

۱۵. مجموعه آرای دیوان دائمی بین المللی دادگستری - سری B شماره ۱۶، ص ۲۰.

اثبات وجود و یا فقدان یک قاعده حقوق بین الملل که طرفین اختلاف به آن استناد می کنند، حق دارد به هر نوع استدلال حقوقی متوسل گردد».^{۱۶}

در رأی معروف دیگری در قضیه «کمسیون رودخانه ادر» بین لهستان و شش کشور ذینفع دیگر، در مورد قابل استناد بودن یا نبودن قرارداد بارسلون که مورد اختلاف طرفین دعوی بود، دیوان نظر داد که چون بررسی این مطلب صرفاً یک موضوع حقوقی است، دیوان حق دارد رأساً درباره آن مطالعه و اتخاذ تصمیم کند.^{۱۷}

دیوان همین موضع را در قضیه مربوط به اعمال قرارداد ۱۹۰۲ راجع به حلّ و فصل مسئله سرپرستی صغار انتخاب کرده و می گوید: «دیوان در انتخاب مستندات و دلایل حقوقی که رأی خود را براساس آنها صادر می کند، آزاد است».^{۱۸}

ج. حق داور در تفکیک بین نتیجه گیریها و دلایل طرفین

در یک دعوای بین المللی، داور باید به نتیجه گیریهای طرفین توجه کامل داشته باشد؛ ولی در انتخاب ورده دلایل حقوقی که ممکن است این نتیجه گیریها بر آنها متکی باشد، آزاد است. بنابراین، تفکیک و تشخیص این دو مطلب برای داور بسیار ضروری است؛ زیرا این تفکیک در حقیقت مرز و محدوده اختیارات و حقوق او نسبت به دلایل و نتیجه گیریها است.

در این زمینه رویه قضائی بین المللی نسبتاً غنی وجود دارد. مثلاً در قضیه «نوته بام»^{۱۹} و در رأی مورخ ششم آوریل ۱۹۵۵، دیوان بین المللی دادگستری بین خواسته طرفین که مربوط به قابل رسیدگی بودن یا نبودن دادخواست لیختن اشتاین بود از یکطرف و استدلالات حقوقی که هر کدام در دفاع از نظر خود ارائه می کردند از طرف دیگر، قائل به تفکیک شد. دیوان

۱۶. مجموعه آرای دیوان دائمی دادگستری بین المللی - سری A، شماره ۹، ص ۳۱.

۱۷. مجموعه آرای دیوان دائمی دادگستری بین المللی - سری A/B، شماره ۱۶، ص ۳.

۱۸. مجموعه آرای دیوان بین المللی دادگستری، صفحات ۱۵ و ۱۴، ۱۹۵۸.

۱۹. مجموعه آرای دیوان بین المللی دادگستری، صفحه ۲، ۱۹۵۵.

می گوید: دولت لیختن اشتاین به استناد تابعیتی که به نوته بام داده است، خود را محق می داند که در مورد مطالبات او به دیوان مراجعه کند، و نتیجه گیریهای نهائی او در این موضوع، متضمن دو نوع تقاضا است؛ به این معنا که لیختن اشتاین از دیوان خواسته است که در مرحله اول اعلام نماید تابعیت اکتسابی «فردریک نوته بام» که در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۳۹ از طرف دولت لیختن اشتاین به او داده شده است، مخالف حقوق بین الملل نیست، و در مرحله دوم دیوان بگوید که تقاضای دولت لیختن اشتاین در حمایت سیاسی از نوته بام به عنوان تبعه، قابل رسیدگی در دیوان است. از طرف دیگر، دولت گواتمالا در نتیجه گیری نهائی خود، از دیوان می خواهد تا اعلام نماید که ادعای لیختن اشتاین قابل رسیدگی در این دیوان نمی باشد.

به این ترتیب مسئله واقعی که باید دیوان تحقیق کند «قابل رسیدگی بودن دادخواست لیختن اشتاین در حمایت از نوته بام» است. لیختن اشتاین در پشتیبانی از نظر خود در لایحه اولیه فقط به ارائه یک دلیل قناعت می کند؛ در حالیکه در استدلالات گوناگونی که گواتمالا در مسئله تابعیت ارائه می نماید، سعی در اثبات غیر قابل رسیدگی بودن دادخواست لیختن اشتاین شده است. به این ترتیب، وظیفه دیوان اتخاذ نظر در مورد قابل رسیدگی بودن ادعای لیختن اشتاین به نفع نوته بام است و دیوان در این مورد حق دارد اظهار نظر خود را مبتنی بر دلایل و مستندات می کند که خود رأساً مفید تشخیص می دهد.^{۲۰}

بنابراین می بینیم که دیوان ضمن مقید بودن به نتیجه گیری و خواسته های طرفین، در انتخاب دلایل و مستندات حقوقی، خود را مختار می داند.

در قضیه «ماهگیری»^{۲۱} نیز دیوان از آغاز اقدام به تفکیک بین نتیجه گیریها و دلایلی نمود که در پشتیبانی از آنها ارائه شده بود. دیوان اعلام کرد که «پیشنهادات عامل دولت انگلیس... تحت عنوان

۲۰. همان مرجع، ص ۶.

21. Affaire des Pêcheries- (C.I.J. Rec, 1951. p. 125-126)

نتیجه‌گیری، واجد خصوصیتی است که یک بررسی دقیق را ایجاب می‌کند». دیوان به این نظر رسید که بندهای ۱۲ و ۱۳ دادخواست را باید به عنوان نتیجه‌گیریهای واقعی تلقی کرد؛ در حالیکه از بند ۳ تا یازدهم را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای از تعاریف و یا قواعد حقوقی دانست که بعضی از ادعاهای را توجیه می‌کنند، ولی متن دقیق و مستقیم یک خواسته نیستند و در صورت لزوم ممکن است دلایل رأی باشند، نه موضوع آن.

قاضی «گراس» نیز در نظریه مخالف خود در این قضیه اشاره به لزوم تفکیک و تمایز بین نتیجه‌گیری و دلایل کرده و می‌نویسد: مدتها است که مشکلات ناشی از نتیجه‌گیریهایی که در عین حال متضمن دلایل اثبات خواسته نیز بوده و ضمناً مبین آنچه که دادگاه باید درباره آن اتخاذ نظر کند هم می‌باشد، مطرح شده است و این قضیه نمونه تازه‌ای از این نوع است... دیوان که تنها داور در تشخیص صلاحیت خود می‌باشد، باید از نتیجه‌گیریهایی که به آن ارائه شده است، بین آنچه که دلیل در پشتیبانی از خواسته و اثبات آن بوده و آنچه که دقیقاً خود خواسته را تشکیل می‌دهد، تفکیک قائل شود. خواسته نباید از موضوع صلاحیت تفویض شده به دیوان تجاوز کند و این صلاحیت محدود است به اعلامیه دولت ایسلند در مورد اینکه توسعه یکجانبه حاکمیت آن کشور (در مورد آبهای ساحلی) از ۱۲ به ۵۰ میل دریائی از تاریخ اول سپتامبر ۱۹۷۲، منطبق با قواعد حقوق بین‌الملل می‌باشد.^{۲۲}

آنچه فوقاً ذکر شد چکیده‌ای است از حدود اختیارات داور یا قاضی بین‌المللی در قضاوت و اتخاذ نظر نسبت به آنچه که از طرف خواهان و خواننده طی لوائح گوناگون و به عنوان خواسته و مستندات و دلایل حقوقی در پشتیبانی از آن، ارائه می‌گردد. باید توجه داشت که مسئله را نمی‌توان طی چند صفحه بطور جامع و کامل مطرح نمود؛ زیرا نکات دقیق بسیاری وجود دارد که برای تحقیق در آنها باید به دهها کتاب آئین دادرسی بین‌المللی به زبانهای گوناگون مراجعه کرد که طبیعی است طرح همه آنها از حوصله این

22. (C.I.J., Rec. 1974, op. diss., § 20, p. 137).

مقاله خارج می باشد.

در مقام تلخیص و نتیجه گیری از آنچه تا اینجا ذکر شد، می توان به ملاحظات زیر رسید:

۱. داور بین المللی در زمینه خواسته مقید به چهارچوب پیش بینی شده در قرارداد ارجاع به داوری است.

۲. داور بین المللی نمی تواند به بیش از خواسته رأی دهد.

۳. داور بین المللی حق ندارد در موردی که اظهار نظر در آن از او خواسته نشده است، اتخاذ نظر کند.

۴. داور بین المللی حق ندارد رأیی صادر کند که نسبت به کشور دیگری که در دعوی شرکت ندارد، مؤثر باشد.

۵. داور بین المللی حق تجاوز از اختیاراتی که بموجب قرارداد به او ارجاع شده است، ندارد؛ ولی در تفسیر آن، با رعایت قواعد تفسیر، آزاد است.

۶. داور بین المللی حق تفکیک و تشخیص بین خواسته دعوی و دلایل و مستندات در پشتیبانی از آن را دارد.

۷. داور بین المللی حق انتخاب قواعد حقوقی که رأی خود را بر آنها استوار می کند، دارد.

۸. داور بین المللی حق ندارد در حلّ و فصل یک اختلاف رأیاً یکی از قواعد حقوق بین الملل را که طرفین به آن استناد نکرده اند، مطرح کند مگر با رعایت شروط سه گانه زیر:

الف. از چهارچوب شروط مندرج در قرارداد ارجاع به داوری خارج نشود.

ب. از حدود نتیجه گیریهای طرفین، تجاوز نکند.

ج. موضوع اختلاف را تغییر ندهد.



حقوق و تکالیف طرفین اختلاف و تغییر خواسته

در قسمت اول این مقاله نکاتی درباره حقوق و اختیارات قاضی و داور بین‌المللی ارائه و تشریح گردید. در این قسمت کوشش بر این است که تا حدودی در مورد حقوق و تکالیف طرفین یک اختلاف در رابطه با خواسته دعوی در یک دادرسی بین‌المللی ملاحظاتی را ارائه کنیم.

بطور کلی در یک دادرسی بین‌المللی رعایت اصولی که باید آنها را از جمله قواعد آمره بین‌المللی^{۲۳} تلقی کرد، اجباری است؛ اعم از اینکه این اصول در قرارداد داور و یا آئین دادرسی مرجع رسیدگی ذکر شده باشند یا خیر، که در مقام تلخیص آنها می‌توان سه اصل زیر را ذکر کرد:

□ اصل اول عبارت است از اصل *audi alteram partem*. بموجب این اصل طرفین یک اختلاف باید حق و فرصت داشته باشند تا استدالات و مدافعاتی را که برای احقاق حق خود ضروری می‌دانند، ارائه کنند.

□ اصل دوم عبارت است از اصل «دفاع»^{۲۴}. مطابق این اصل دلایلی که یک طرف در پشتیبانی از ادعای خود ارائه می‌کند و داور یا قاضی آنها را می‌پذیرد، باید به طرف دیگر ابلاغ شود تا او بتواند در رد آنها اقدام کند.

□ اصل سوم این است که رأی داور یا قاضی منحصر امتکی به استدالات یک طرف یا طرف دیگر نبوده، بلکه اظهار نظر قضائی او باید مبتنی بر آن اعتقاد حقوقی باشد که با توجه به کلیه عناصر اختلاف برای او

23. Jus Cogens.

24. Contradictoire.

حاصل شده است. ۲۵

ذیلاً به بررسی‌هایی در اطراف دو اصل اولیه می‌پردازیم، بدون اینکه مستقیماً به آنها اشاره کنیم.

الف. حقوق و تکالیف طرفین یک اختلاف در رابطه با خواسته

ماده ۴۹ آئین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری رئوس این حقوق و تکالیف را که ضمناً عناصر صوری یک دادرسی بین‌المللی نیز هستند، به این شرح بیان می‌کند:

- دادخواست، عبارت است از تشریح وقایع اساس خواسته و مستندات حقوقی آن و نتیجه‌گیری مورد نظر.
- لایحه جوابیه عبارت است از قبول یا ردّ وقایع و ملاحظات در مورد مستندات حقوقی مدعی و پاسخ حقوقی نسبت به آن و نتیجه‌گیری.
- در لایحه مجدد خواهان و پاسخ مجدد خوانده، در صورتیکه دادگاه تسلیم آنها را مجاز کرده باشد، طرفین نه تنها نظرات سابق را تکرار می‌کنند، بلکه مواردی را که درباره آنها اختلاف نظر دارند، مشخص می‌نمایند.
- هر سندی که یک طرف تسلیم می‌کند متضمن نتیجه‌گیری آن طرف در مرحله‌ای از دادرسی که مربوط به آن است، می‌باشد و این نتیجه‌گیری، از دلایل و مستندات متمایز است و یا نتیجه‌گیریهای سابق را تأیید می‌کند.

حقوق و تکالیف طرفین یک اختلاف معمولاً در قواعد دادرسی تمام مراجع دادرسی‌های بین‌المللی، اعم از اینکه مرجع رسیدگی خاص^{۲۶} باشد یا دائمی، به طرق گوناگون و انشاهای مختلف ذکر شده است و عدم رعایت آنها ممکن است موجبات بطلان رأی داوری را فراهم نماید. مثلاً

25. R. David: Arbitrage dans le commerce international, Economica, Paris, 1982, p. 405.
26. ad hoc.

بنابر ماده ۵ قرارداد ۱۰ ژوئن ۱۹۵۸ نیویورک راجع به شناسائی و اجرای احکام داوری، آرائی که در صدور آنها این قواعد دادرسی رعایت نشده باشد، شناسائی و اجرای آنها مردود می‌شود. بند «ب» این ماده بخصوص مصرح است به اینکه «... یا رعایت آئین دادرسی نشده باشد و یا به دلایلی، یکی از طرفین نتوانسته باشد در احقاق حق خود اقدام کند...».

به این ترتیب و بطوری که مدلول ماده ۴۹ آئین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری نشان می‌دهد، نتیجه‌گیریهای طرفین یک اختلاف طی لوائح، از عناصر مهم و اساسی یک اختلاف بین‌المللی می‌باشد و تقریباً کلیه حقوق و تکالیف طرفین و خواسته‌دعوی بر محور آن دور می‌زند؛ لذا تحقیق و بررسی بیشتر آن ضروری است.

ب. تعریف نتیجه‌گیری

اغراق نیست اگر گفته شود نتیجه‌گیریهای طرفین و بخصوص «نتیجه‌گیریهای نهائی»، کلید اساسی در حل و فصل اختلافات حقوقی بین‌المللی است.

در یک اختلاف حقوقی بین‌المللی که ممکن است چندین سال طول بکشد و در طی آن هزاران برگ به صورت دادخواست و ضمائم و لوائح الحاقیه یا جوابیه و دیگر اسناد رد و بدل شود، تنها نتیجه‌گیریها است که از بین برگهای بیشمار، قاضی و داور بین‌المللی و طرفین اختلاف را به ریشه اختلاف و راه حل‌های مطلوب می‌رساند.

در فرهنگ اصطلاحات حقوقی (پاریس - ۱۹۶۰) در تعریف نتیجه‌گیریها گفته شده است: «اصطلاح آئین دادرسی که ناظر است به اعلام دقیق آنچه که طرف یک اختلاف در مقابل دادگاه بین‌المللی مطالبه و تقاضای قضاوت در مورد آنها را می‌کند. در مقدمه ارائه این مطالبه، ممکن است خلاصه‌ای از دلایل استنادی در دفاع از ادعا را نیز جداگانه ذکر کرد».

بطور خلاصه در نتیجه گیریها طرفین اختلاف، خواسته خلود را بیان و مستندات آن را که خواسته مبتنی بر آنها است، تشریح می‌کنند. بنابراین طبیعی است که هر نوع تغییر بی‌موقع در این نتیجه گیریها ممکن است خواسته را نیز تغییر دهد و یا اختلاف را به اختلافی با ماهیت دیگر تبدیل کند و یا اینکه حق دفاع طرف را مختل نماید بدون آنکه او فرصت داشته باشد در مقام جوابگویی برآید، و در نتیجه حق او ضایع گردد.

ج. اصلاح و تغییر نتیجه گیریها

اصل عمومی این است که نتیجه گیریها را می‌توان در طول دادرسی تغییر داد. دکتین و رویه قضائی نیز در تأیید این اصل می‌باشند.

• دکتین:

پروفسور «ژول بسدیوان» در تفسیر ماده ۲۴ آئین دادرسی دیوان بین‌المللی دادگستری سال ۱۹۴۶ (ماده ۹ مقررات فعلی) می‌نویسد: «ماده ۲۴ قواعد دیوان تجویز می‌کند که دادخواست و لایحه جوابیه آن، علاوه بر تشریح وقایع و مستندات حقوقی، باید متضمن نتیجه گیری نیز باشد».

منظور از اصطلاح نتیجه گیری در این مرحله عبارت است از خلاصه‌ای روشن و دقیق از موضوعی که طرفین تقاضا دارند دیوان نسبت به آن اظهار نظر کند. بنابراین، این نتیجه گیریها نهائی تلقی نشده و طرفین دعوی حق دارند در طول دادرسی، آنها را تغییر دهند. به این ترتیب اگر طرفی تغییراتی در خواسته خود نداد، طبیعتاً دیوان بر اساس نتیجه گیری لایحه‌ای که قبلاً داده شده است، اتخاذ نظر خواهد کرد.^{۲۷}

پروفسور «راسن» امکان تغییر نتیجه گیری را برای طرفین تأیید کرده و می‌نویسد: «در دعاوی، طرفین بطور عقلانی آزادی دارند که

27. Quelques mots sur les "Conclusions" en procédure internationale. Jules Basdevant in Scritti in onore di Thomas Perassi, Milan, Giuffrè, 1957, t.I, p.177.

نتیجه گیریهای خود را در طول دادرسی تغییر دهند»^{۲۸}

خانم پروفیسور «بستید» نیز این اصل را از بدیهیات دانسته و می‌گوید: «این امری پذیرفته شده است که طرفین اختلاف می‌توانند نتیجه گیریهای خود را در طول دادرسی تغییر دهند»^{۲۹}.

• رویة قضائی بین المللی:

رویة قضائی بین المللی نیز در تأیید این حق طرفین اختلاف است. در قضیة «کارخانه کورزو»، دیوان دائمی دادگستری بین المللی تصریح دارد به اینکه «تغییرات در نتیجه گیریها تا پایان اختلاف امکان پذیر است»^{۳۰}.

نظر مشروحه فوق در رأی دیوان دائمی دادگستری در قضیة «شرکت بازرگانی بلژیک» نیز تأیید گردید. دیوان می‌گوید: «بنابراصول، طرفین اختلاف همیشه اختیار دارند که نتیجه گیری خود را تا پایان دادرسی شفاهی تغییر دهند»^{۳۱}.

در قضایای دیگری که وسیله دیوان رسیدگی شد، این اصل تأیید گردید. مثلاً در قضیة «بازسلونا تراکشن» دیوان بر این نظر است که «خواهان همیشه مختار است تا نتیجه گیریهای خود را تغییر دهد و در عمل نیز معمولاً نتیجه گیریهای نهائی طرفین با آنچه که قبلاً طی اسنادی به دیوان تسلیم شده است، تفاوتی دارد»^{۳۲}.

د. شرایط اصلاح و تغییر نتیجه گیریها و نتیجه منطقی آن

گرچه طرفین یک اختلاف در یک مرجع بین المللی مانند داوری و یا یک دادگاه بین المللی، حق دارند نتیجه گیریهای خود را در طول دادرسی تغییر دهند، ولی این حق به نحو اطلاق نبوده و اعمال آن موکول به رعایت شرایطی است:

28. The Law and Practice of the International Court (Levden, Sijthoff, 1956 p. 584.

29. le Jurisclasseur, à la rubrique 'd'arbitrage international, FASC. 248, 9, 1961, p. 11

30. C.P.J.I.; 26 Juillet 1927, Série A, n° 9, p.7.

31. C.P.J.I., Série A/B, n° 78, p.78.

32. C.I.J., Rec. 1969, février 1969.

● تغییر در نتیجه گیریها قبل از پایان جلسات و منطبق با آئین کار دادگاه باشد.

● تغییرات به نحو عقلانی صورت گیرد.

● تغییرات در شرایط زمانی مناسبی صورت گیرد که طرف مقابل فرصت داشته باشد در صورت لزوم به آن پاسخ دهد.

● تغییرات منجر به ارائه خواسته جدیدی نگردد.

دکترین و رویه قضائی بین المللی و داخلی در این مورد اتفاق نظر دارند که پس از پایان مدافعات و جلسات استماع، هیچ نوع مدرک اضافی و یا تقاضای جدید و یا استدلال حقوقی از طرفین پذیرفته نیست و بخصوص آنکه پس از لایحه خلاصه ای که بعد از جلسه استماع تسلیم می شود،^{۳۳} تعیین مبنای جدیدی برای خسارت قابل قبول نمی باشد.

● دکترین:

پروفسور راسن کارشناس بزرگ مسائل آئین دادرسی در مراجع بین المللی، در مورد قابل قبول بودن ملاحظاتی که با تأخیر و پس از پایان دادرسی تسلیم گردد، با توجه به ماده ۵۴ اساسنامه منی نویسد: در چنین شرایطی «طرفین در مقابل دیوان برای تسلیم لایحه کتبی اضافی یا استدلال حقوقی جدید، حق دیگری نخواهند داشت».^{۳۴}

این نظریه در ادبیات حقوقی و آثاری که در موضوع آئین دادرسی نوشته شده است، تأیید گردیده و طبعاً باید آن را از اصول عمومی آئین دادرسی تلقی کرد. مثلاً پروفسور «قری» می نویسد: «طرفین یک اختلاف وظیفه دارند لوائح نهائی خود را قبل از پایان جلسات استماع تسلیم دادگاه نمایند».^{۳۵}

در ماده ۱۴۴۸ قانون آئین دادرسی فرانسه در بخش مربوط به داوری گفته شده است: «داور، تاریخی را که در موعد آن اختلاف به

33. Post-hearing brief.

34. The Law and procedure of the International Court, Leyden, Sijthoff 1960, p.59.

35. International adjudication, procedural aspects, the Hague Nijhoff, 1980, p.141.

مشاوره و صدور رأی گذارده می‌شود، تعیین می‌کند. بعد از این تاریخ، ادعا و یا ایراد و مستند دیگری پذیرفته نیست و همچنین ملاحظات و اسناد جدیدی را نمی‌توان ارائه کرد، مگر آنکه داور تقاضا نماید». ۳۶

• رویت قضائی:

اصل عدم امکان تغییر در نتیجه گیری، پس از پایان دادرسی، در آئین دادرسی کلیت سیستمهای حقوقی ملحوظ است، گرچه ممکن است نحوه انشاء و یا عمل به آن متفاوت باشد. مثلاً در این زمینه رویت قضائی فرانسه در فرهنگ Dalloz به این شرح خلاصه شده است: «پس از قرائت گزارش داور و قاضی و ختم مدافعات، دادرسی خاتمه می‌یابد و طرفین دعوی حق تسلیم نتیجه گیریهای جدیدی را ندارند، مگر آنکه دادگاه تصمیم به آغاز مجدد مباحثات بگیرد».

تحولات جدید در رویت قضائی فرانسه در جهت سخت گیری شدید اعمال این اصل است که «پس از پایان دادرسی، طرفین از تسلیم نتیجه گیریهای جدید ممنوعند؛ در غیر این صورت، رأیی که بر مبنای این نتیجه گیریها که با تأخیر تسلیم شده و در اطراف آن نیز مدافعاتی صورت نگرفته صادر شده است، باطل می‌باشد و این ضمانت اجرا مربوط به نظم عمومی بوده و از لحظه ای که این نتیجه گیریها در تصمیم قاضی اثر بگذارد، این ضمانت اجرا اعمال می‌شود». ۳۷

• رویت قضائی بین المللی:

رویت قضائی بین المللی و بخصوص رویت دیوان دائمی دادگستری بین المللی و دیوان بین المللی دادگستری فعلی نیز در تأیید این اصل است و بکرات تأکید کرده اند که تغییر در نتیجه گیریها فقط تا پایان دادرسی امکان پذیر است و بخصوص نباید موجب تغییر درخواست گردد.

36. Code de procedure civile Francaise, Livre IV Arbitrage.

37. Dallöz, Civ., 27 mars 1963, D. 1963, Somm. 100 rubrique "Conclusions", § 59, p. 224.

دیوان دائمی دادگستری بین المللی در قضیه «پرنس فن پلز» می‌گوید: «چون برای تشخیص اختلاف لازم است موضوع آن معین باشد و با توجه به اینکه بنابر ماده ۴۰ اساسنامه دیوان، دادخواست باید متضمن موضوع اختلاف باشد، بنابراین، نتیجه گیریها ضمن اینکه مدلول دادخواست را روشن می‌کند، معذک نباید از محدوده خواسته آن تجاوز نماید».^{۳۸}

همچنین در قضیه «شرکت بازرگانی بلژیک» دیوان دائمی بین المللی دادگستری این نظر را تأیید کرده و می‌گوید: «مسلم است که بنابر اصول، دیوان نمی‌تواند اجازه دهد اختلافی که براساس یک دادخواست به آن ارجاع گردیده است با تغییر در نتیجه گیری به اختلاف دیگری که واجد همان خصوصیات نیست، تبدیل گردد».^{۳۹}

در زمینه شروطی که باید در تغییرات نتیجه گیریها رعایت گردد و فوقاً به آنها اشاره شد، قاضی «رید» در نظر مخالف خود در قضیه «قروض نروژ» و به مناسبت تغییراتی که فرانسه در نتیجه گیریهای خود داده بود، بطور شایسته‌ای بحث کرده و این شروط را تشریح نموده است.^{۴۰} قاضی رید می‌گوید: «رویه دیوان بین المللی دادگستری و همچنین دیوان دائمی دادگستری بین المللی طرفین اختلاف را مجاز می‌کند که نتیجه گیریهای خود را تا پایان دادرسی شفاهی تغییر دهند. و چون رئیس دیوان از طرفین خواسته بود نتیجه گیریهای نهائی خود را قبل از اختتام دادرسی شفاهی تسلیم نمایند...»، بنابراین فرانسه در این مرحله از دادرسی حق داشته است نتیجه گیریهای خود را تغییر دهد. ولی می‌دانیم این اصل به نحو اطلاق نیست و اعمال آن موکول به رعایت شرایطی است. قاضی رید در این باره اضافه می‌کند: «این حق در دو مورد مخدود و مشروط می‌شود: نخست در صورتیکه تغییرات مهم باشد، که در این صورت طرف دیگر باید فرصت

38. affaire relative à l'administration du prince Von Pless (Ord. du 4 février 1933. Série A/B. n° 52).

39. affaire Société Commerciale de Belgique (C.P.J.I. Série A/B n° 78. p. 173).

40. des emprunts Norvégiens. Rec. 1975. Diss. Opin. p. 80-100.

معقولی داشته باشد که تغییرات و نظرات خود را نسبت به این تغییرات ارائه نماید. در قضیه و دعوای مطروحه، فرانسه تغییرات در نتیجه گیریهای خود را در پایان اولین دفاع اعلام داشت و دولت نروژ دوباره فرصت داشته است که پاسخگوئی کند و از این فرصتها نیز کاملاً استفاده نمود. شرط دوم این است که طرف اختلاف به این وسیله سعی ننماید اختلاف جدیدی را به دیوان بیاورد. در چنین موردی نتیجه گیریهای تغییر یافته قابل قبول نیست، مگر آنکه عناصر جدیدی توسط دولت مدعی علیه و یا هر دو دولت در طول دادرسی کتبی و شفاهی به موضوع اختلاف افزوده شود. شرط نخست در زیر مورد بررسی قرار خواهد گرفت و در آنچه مزبور به شرط دوم می شود، به نحوی که ماده ۴۰ اساسنامه دیوان نیز می گوید: نتیجه گیریهای نهائی باید در چهارچوب موضوع اختلاف باشد».^{۴۱}

قاضی نامبرده در خاتمه نتیجه می گیرد: «در چنین اوضاع و احوالی عقیده من بر این است که نتیجه گیریهای دولت فرانسه در طول دادرسی کتبی و شفاهی از محدوده اختلاف خارج نبوده است و مسئولیت اطاله حل اختلاف بخصوص به عهده دولت نروژ می باشد و یا بهرحال این دولت به مقیاس زیادی در این مسئولیت با دولت فرانسه شریک است. در چنین وضعی نروژ حق ندارد از اطاله رسیدگی به اختلاف شاکی باشد».^{۴۲}

در این مورد باید اضافه کرد که در بسیاری از قواعد آئین دادرسیهای بین المللی این قاعده که تغییر در نتیجه گیریها نباید در ماهیت اختلاف تغییر دهد، تصریح شده است، مانند ماده ۲۵ آئین دادرسی دادگاههای داوری آلمان- بلژیک، لتزیک و بلغارستان- بلژیک و ماده ۷ آئین دادرسی دادگاههای داوری فرانسه- آلمان، فرانسه- بلژیک و فرانسه- اتریش بعد از جنگ دوم جهانی. در مواردی که این اصل در قرارداد داوری و یا آئین دادرسی آن ذکر نشده باشد، باید به اعتبار قاعده عرفی آن عمل شود.

در مقام نتیجه گیری کلی از آنچه که در این قسمت از مقاله ذکر گردید و با توجه به اینکه اساس قضاوت و داوری بین المللی مبتنی بر رضایت طرفین اختلاف است، می توان گفت:

۱. طرفین اختلاف حق دارند طی لوائح و لوائح جوائیه نظرات و ادله خود را مشروحاً در اطراف خواسته تشریح نموده و هر سندی دارند ارائه کنند.

۲. هر طرف باید حق و فرصت پاسخگوئی به ادعاها و نظرات ارائه شده طرف دیگر را داشته باشد.

۳. طرفین اختلاف می توانند از استدلالات خود نتیجه گیری کنند و معمولاً خواسته در این نتیجه گیریها مشخص و معین می شود.

۴. طرفین اختلاف در طول دادرسی حق دارند در نتیجه گیریهای خود تغییراتی بدهند.

۵. این تغییرات باید عقلانی بوده و در ماهیت خواسته تغییر ندهد.

۶. تغییرات در نتیجه گیریها باید به نحوی ارائه شود که طرف دیگر فرصت پاسخگوئی داشته باشد.

۷. خواسته یک اختلاف نباید در طول دادرسی و با تغییرات در نتیجه گیری به خواسته با ماهیت جدیدی تبدیل شود.

۸. بعد از پایان دادرسی نمی توان در نتیجه گیریها تغییر داد و یا خواسته جدیدی را ارائه نمود.



شپوېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی